

ویژه‌ی

هفتمین سالروز شهادت رهبر

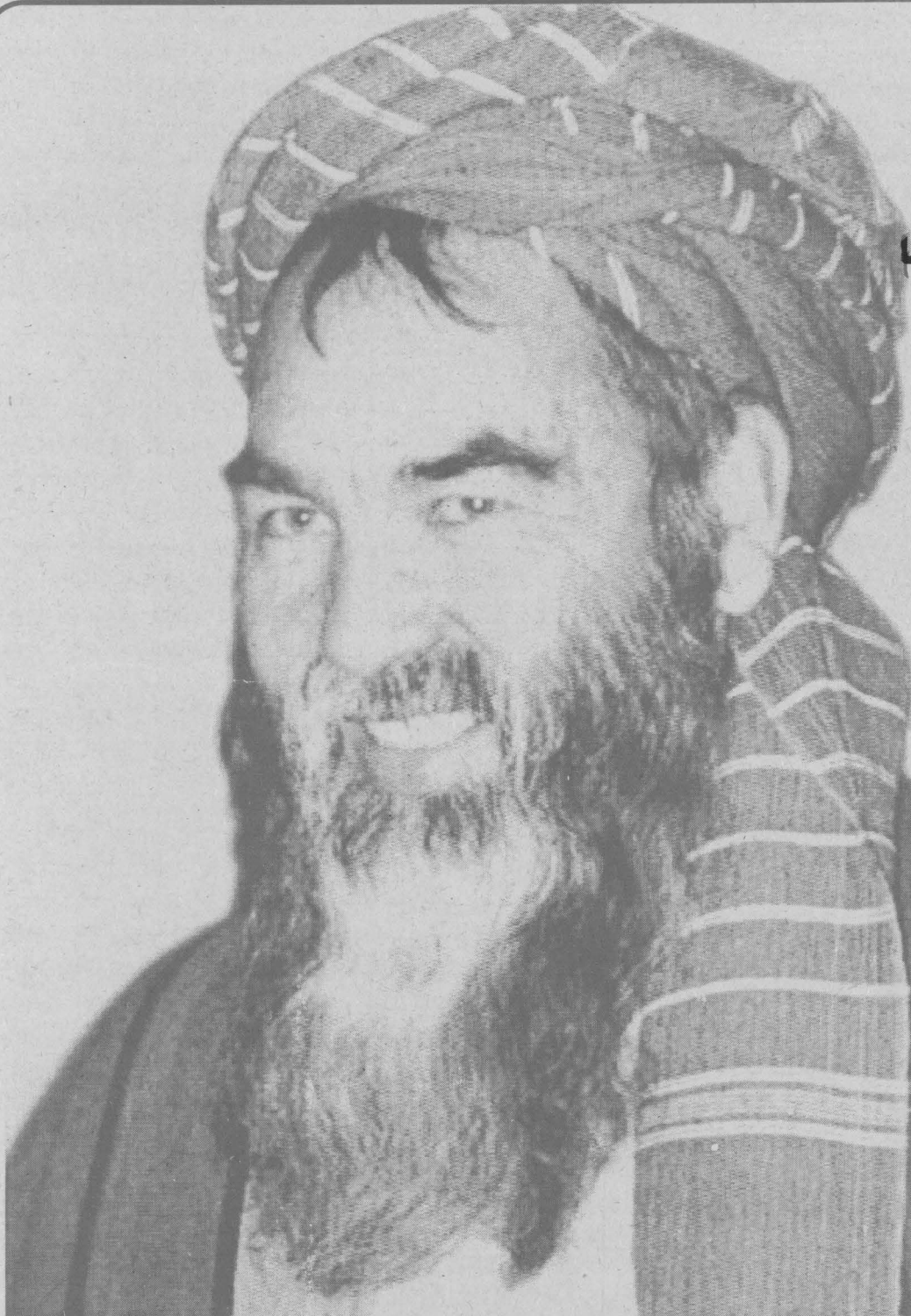
حزب وحدت اسلامی افغانستان

شاق و حیرت

هفته‌نامه‌ی سیاسی، اجتماعی، ادبی و خبری



سال سوم، شماره‌ی مسلسل ۶۱، چهارشنبه ۲۲ حوت ۱۳۸۰، ۲۹ ذیحجه ۱۴۲۲، 13 March 2002



□ پیام استاد عرفانی، یکی از رهبران

حزب وحدت به مناسبت هفتمین سالگرد

شهادت استاد مزاری (ره)

□ شهید مزاری، اهداف و خواسته‌ها

□ مروری کوتاه بر زندگی‌نامه‌ی

رهبر شهید

□ شهید مزاری، قربانی تروریزم



سر مقاله

شهید «مزاری» قربانی تروریزم

مزاری روحانی مجاهد، انقلابی آگاه و خبیر؛ فرماندهی لایق و شایسته، سیاستمدار زیرک و با هوش بود. قاطعیت، نستوهی، صداقت، عشق به مردم، تدین و تعهد از او صاف برجسته‌ی آن عالم عامل و مجاهد نامدار می‌باشد.

مزاری که به قبله آمال و آرزوهای مردم خود بدل شده بود بدست گروه عقب مانده، متحجر و افراطی طالبان که هیچ تعلق خاطر به مردم افغانستان نداشتند، بشهادت رسید. بیگانگان بخاطر اهداف توسعه طلبانه و هم چنین ضربه زدن به مجاهدین و بدنام ساختن اسلام و انقلاب اسلامی، آنان را تجهیز و تمویل نموده به افغانستان فرستادند. این گروه در مدت کوتاهی از سلطه‌ی غاصبانه و سیاه خود در بخش اعظم کشور، جنایات هولناک، فجایعی دردناک و اسف بارضد انسانی و اسلامی را علیه مردم مسلمان افغانستان مرتکب شدند. دست آورد اشغال کشور توسط این اجیران بیگانه قتل عام هزاران انسان مظلوم و بی دفاع، ویرانی شهرها و مناطق مسکونی، نابودی آثار تاریخی و باستانی کشور بود. یکی از جنایات فراموش ناشدنی و خیانت این گروه به ملت مسلمان افغانستان، به شهادت رساندن یکی از چهره‌های نامدار جهاد، استاد شهید عبدالعلی «مزاری» رهبر حزب وحدت اسلامی بود که پس از سقوط غرب کابل، بدست آنان اسیر و سپس مظلومانه با دست و پای بسته به شهادت رسید.

شهادت استاد مزاری از بیرون افغانستان طرح ریزی ولی بدست افراد جاهل و نادان بنام طالبان بشهادت رسید که «مقبره» ایشان نیز در مزار شریف توسط همین گروه بادی نامت منفجر شده و با خاک یکسان گردید. انتظار می‌رود که دولت «مقبره» شهید مزاری را بعنوان مقبره شهید ملی آباد کند و در نشرات و رادیو تلویزیون هم، از ایشان یاد شود. طبیعی است که این اقدام در تالیف قلوب و تحکیم اخوت و برادری بین مردم افغانستان کمک خواهد کرد.

اکنون که نسیم روح بخش و فرح انگیز صلح و امنیت، در کشور ما عطر افشانی می‌نماید و امید به زندگی و آینده سرشار از خویبه‌های دردل‌های خسته از جنگ ملت ما پیدا شده است و بستر مناسب جهت اظهار عقیده و بیان و عرصه اندیشه و فکر پدید آمده است؛ مسوولین، تصمیم گرفتند که نشریه «میشاق وحدت» را که مدت چند سال در خارج و در عالم هجرت و آوارگی به انعکاس وقایع و رویدادها و تجزیه و تحلیل مسایل کشور پرداخته و به رسالت مطبوعاتی خود ادامه می‌داد، بداخل کشور منتقل کنند و اکنون در جمع خانواده مطبوعات داخل، پیوسته است. دست اندر کاران این نشریه امیدوار است که بتواند رسالت و مسئولیت اسلامی و ملی خویش را به نحو احسن انجام داده و از ارزشهای اسلامی، ملی و فرهنگ کهن و غنی این سرزمین دفاع نموده و در جهت سالم سازی فضای صلح و امنیت، اخوت و برادری و وحدت ملی بقدر وسع و توان کمک نمایند. به امید روزی که جنگ و خشونت برای همیشه از کشور رخت بر بسته و صلح و امنیت، دموکراسی و آزادی، حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی در این سرزمین، فراگیر شود.

از صفحه ۶

ارزش و احترام گذاشته شود در این باره می‌فرماید.

«مساله افغانستان وقتی حل میشود که مردم واحزاب همدیگر را تحمل بکنند و درصدد حذف یکدیگر نباشد چه از نگاه اقوام و چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب ... (۳)» همچنین در مورد وحدت ملی و استقلال کشور ایشان می‌فرماید: «این مملکت که بیش از یک ملیون شهید داده و در هر وجب آن خون شهید ریخته شده است نه، هیچ افغان حاضر نیست که برای تجزیه جان فدا کند و هیچ قومی حاضر نیست که بیاید برای تجزیه این کشور فکر کند که این افغانستان متحد نباشد، تمامیت ارضی افغانستان بهم بخورد این برای انگیزه حرکت خود مردم یک چیز ثابت است. (۴)»

۳- تفرقه و نفاق طرح استعمار، استعمار از روزی که در سرزمین‌های اسلامی نفوذ کرد. برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین از ابزارهای گوناگون استفاده نمود. یک از حربه‌های مهلک و خطرناک دشمنان اسلام، ایجاد تفرقه و اختلاف بین مذاهب اسلامی است، رهبر شهید استاد مزاری بابتی بینی و ژرف نگری به این توطئه شوم پی برده به سران جهاد پیشنهاد می‌کند و می‌فرماید: «ما انتظار داریم پس از چهارده سال جهاد، مردم ما این شجاعت و شهامت را در دنیا اثبات کند و این مشکل جهان اسلام را در افغانستان حل بکنند و اعلام کنند که بین شیعه و سنی هیچ فرقی نیست. یکی هستیم، هردوی ما مراسم خود را رسمی انجام می‌دهیم تا این پرده‌ای را که استعمار ترسیم کرده از دست استعمار در سطح بین المللی بگیریم تا اینکه دیگر این مسایل مطرح نشود به عنوان اختلاف شیعه و سنی و برای این مساله انقلاب مایک ضربه دیگر نخورد... (۵)»

۴- آزادی عقیده و بیان، یکی از مسایل مهم و ضروریات زندگی امروز بشر، آزادی بیان عقیده است. رهبر شهید و فرزانه حزب وحدت اسلامی در این باره می‌فرماید: «از نظر تمدن بشری و قوانین

بین المللی من فکر میکنم که امروز یک مساله پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشد و هرکس باید طبق برداشت‌های سیاسی و عقیدتی اش، عقیده خود را منعکس نماید ... کسانی که می‌گویند سانسور باشد و مطبوعات آزاد نباشد، این دیگر دورانش گذشته است یعنی در این دوران تطبیق نمی‌گردد و از نظر اسلام هم عقیده مخالف داشتن حرام نیست، این یک اصل پذیرفته شده است. ما معتقدیم که آزادی که اسلام خلفای اسلام پذیرفته است، هنوز غرب هم به آن نرسیده است. (۶)»

۵- مذاکره و تفاهم راه حل اصلی قضیه افغانستان، اسناد شهید در ارتباط با بحران افغانستان، مذاکره و دیالوگ را طریق اصولی حل مشکل افغانستان دانسته در این ارتباط می‌فرماید: «ما هیچوقت جنگ طلب نیستیم راه حل مساله افغانستان را جنگ نمی‌دانیم... (۷)» هر گونه زورگویی و راه‌های خشونت آمیز را محکوم نموده است و می‌فرماید: «... اگر زور می‌توانست کار ساز و حل کننده مسایل باشد، نجیب که هم یک نیروی نظامی داشت و هم یک اداره اطلاعات منظم داشت و هم از پشتوانه خارجی برخوردار بود، می‌توانست بر این کشور حکومت نماید. (۸)» امیدواریم که پیروان راستین آن اسوه مقاومت باشیم و رهنمودهای دایمانه او سرمشق و الگوی زندگی ما باشد.

- ۱- احیای هویت، ص ۷۸
- ۲- مصاحبه با رادیو تلویزیون ترکیه ۱۵-۵-۱۳۷۱ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱-۱-۱۳۷۴
- ۳- احیا هویت، ص ۱۴۷
- ۴- مصاحبه با رادیو تلویزیون پیام آزادی ۲۹/۸/۱۳۷۲.
- ۵- مصاحبه با روزنامه هیواد ۱۴/۷/۱۳۷۲.
- ۶- مصاحبه با روزنامه هیواد ۱۴/۷/۱۳۷۲.
- ۷- احیای هویت، ص ۱۱۶.
- ۸- مصاحبه با خبرگزاری رویتر و بی‌بی‌سی ۲۸/۱۱/۱۳۷۱.

عدالت اجتماعی هنگامی عینیت خواهد یافت که همه‌ی

مردم افغانستان بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب‌شان به صورت برابر و

متناسب با میزان حضور آنان در عرصه‌های حیات اجتماعی کشور در امر تعیین

سرنوشت سیاسی و تقدیر تاریخی خود سهیم باشند.



پیام استاد عرفانی، یکی از بنیان‌گذاران و رهبران حزب وحدت اسلامی افغانستان به مناسبت هفتمین سالگرد شهادت استاد مزاری(ره)

بسمه تعالی

در آستانه‌ی هفتمین سال عروج خونین و فقدان جانکاه اسطوره‌ی مقاومت ملی، رهبر و پیشوای راستین توده‌های محروم، منادی عدالت اجتماعی و وحدت ملی استاد شهید عبدالعلی "مزاری" قرار داریم.

مزاری، انسان مسلمان و مجاهد مخلصی بود که هستیش را در راه عقیده و آرمان بلند انسانی‌اش فدا کرد. او، رهبری بود با اخلاص و دارای مناعت طبع که هیچگاه زرق و برق و لاذذ دنیا، روح بلند والاهی او را نتوانست تسخیر کند و بفریبد، همواره ساده، ویی آرایش زیست و زندگیش را با سطح زندگی طبقه محروم هماهنگ ساخته بود. او، تبعیض و برتری جویی‌های قومی و نژادی، فرقه‌ای و هر نوع امتیاز طلبی را پشت محکوم نموده با آن مقابله نمود.

او، تجسم آرمانهای گم شده واز دست رفته‌ی توده‌های مظلوم و حلقوم فریاد همه‌ی زجر دیدگان و محرومان بود، که صدای مظلومیت و عدالت خواهی توده‌های ستمدیده از آن طنین انداز بود که با قاطعیت و صراحت لهجه و بدور از لفافه‌های سیاسی، خواسته‌ها و مطالبات خویش را بیان می‌کرد و هیچگاه حاضر به سازش و معامله روی اصولی که بدان معتقد بود، نشد. مزاری، رهبر مستقل و آزاد اندیشی بود که، منافع ملی و استقلال مردم خود را فدای منافع بیگانگان، نکرد.

برادر خواهر! مزاری، چنان شخصیت و محبوبیت ملی پیدا کرده بود که بیگانگان و تروریستها وجود او را مانع عمده و سد محکم سرراه منافع نامشروع و اهداف پلید تروریستی‌شان میدانستند. لذا در یک توطئه‌ی همه‌جانبه واز قبل

طراحی شده، این چهره محبوب ملی را هدف قرار دادند. مزاری، اولین شخصیت جهادی در کشور بود که مورد هدف دشمنان مردم افغانستان و تروریستها قرار گرفت. مزاری، فراتر از یک قوم و حزب بود، چون اهداف و آرمانش ملی و مردمی بود، بخاطر همین اهداف انسانی و اسلامی، همه‌ای ستمدیدگان به او عشق می‌ورزیدند و او را پیشوای شان

امنیت نسبی در کشور به وجود آمده است، خوبست ما کمی به گذشته نظر اندازیم و با اهداف و آرمانهای شهدای مان، مخصوصاً شهید "مزاری" تجدید میثاق نمائیم.

حال، که صفحهی نوین از زندگی در کشور آغاز شده و فضای باز سیاسی و امنیت نسبی در کشور حاکم گردیده و اداره موقتی بوجود آمده است لازم است،

اکنون، هفت سال از روزهای غم‌انگیز سقوط غرب کابل و شهادت استاد "مزاری" و یاران باوفایش می‌گذرد و برای اولین بار است که مردم انقلابی و بیدار "غرب کابل"، فرصت پیدا کرده است که از پیشوای شهیدشان تجلیل نمایند



برادر خواهر! مزاری، چنان شخصیت و محبوبیت ملی پیدا کرده بود که بیگانگان و تروریستها وجود او را مانع عمده و سد محکم سرراه منافع نامشروع و اهداف پلید تروریستی‌شان میدانستند. لذا در یک توطئه‌ی همه‌جانبه و از قبل طراحی شده، این چهره محبوب ملی را هدف قرار دادند

میدانستند.

اکنون، هفت سال از روزهای غم‌انگیز سقوط غرب کابل و شهادت استاد "مزاری" و یاران باوفایش می‌گذرد و برای اولین بار است که مردم انقلابی و بیدار "غرب کابل"، فرصت پیدا کرده است که از پیشوای شهیدشان تجلیل نمایند و از طرفی هم فضای صلح و

که نکاتی را متذکر شوم:

۱- وظیفه خود میدانم واز ملت مجاهد و شهید پرور می‌خواهم که از اداره موقت حمایت و پشتیبانی نمایند. زیرا این اداره تمثیل‌کننده و تبلور اراده‌ی ملی و زمینه ساز حکومت فراگیر و جامع خواهد بود. ۲- از اداره موقت انتظار دارم، عدالت اجتماعی را که رکن اصلی ثبات و وحدت

ملی و تفاهم ملی است، در سرلوحه کار هایشان قرار بدهند و آنرا در ابعاد گوناگون که عبارت از توزیع عادلانه امکانات رفاهی، بازسازی مناطق، سهم نمودن و توزیع عادلانه مسئولیت‌ها می‌باشد، می‌بایست به تناسب نفوس، جمعیت و میزان حضور اقوام صورت گیرد. و همچنین اداری موقت لازم است زمینه‌ای را فراهم سازد که مردم بتوانند نمایندگان دلخواه شان را در لویه جرگه انتخاب نمایند.

۳- وحدت ملی، بر اثر جنگ‌های طولانی و کشمکش‌های قومی، حزبی و... و هم چنین دستهای پیدا و پنهان دشمنان مردم افغانستان جهت ایجاد نفاق و چند دستگی، تقریباً شیرازه وحدت ملی از هم پاشیده شده و فجایع دردناک و اسفناک دامن گیر این ملت شده است. اکنون لازم است که اداره محترم موقت، با درایت و خردمندی در جهت احیای وحدت ملی، گامهای موثر و عملی را بردارند. وحدت ملی وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که تمام مردم در سرنوشت کشور سهم شوند و هیچ قوم و جماعتی خود را بیگانه و بیرون از حاکمیت احساس نکنند و به خواسته‌ها و مطالبات معقول و منطقی‌شان که مطابق با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی میباشد، مد نظر قرار داده شود.

۴- یکی از وظائف عمده و اساسی اداره موقت تأمین امنیت در سراسر کشور است. توقع ما اینست که به این اصل توجه ویژه شود. زیرا، امنیت از مقولات مهم و حیاتی یک جامعه است تا امنیت نباشد هر نوع فعالیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختل خواهد شد. هم چنین تأمین امنیت راههای مواصلاتی که هراز گاهی مشکلات را برای مهاجرینی که به وطن عودت میکنند پیش می‌آید بایست مورد توجه قرار گیرد.

۵- از همه احزاب جهادی و گروه‌های سیاسی تقاضا دارم حال که زمینه کارهای سیاسی مساعد شده خوبست تصامیم سرنوشت ساز را با تفاهم و هماهنگی بیشتر اتخاذ نمایند.

والسلام

قربانعلی عرفانی

۱۳۸۰/۱۲/۲۲ — کابل

در مقابل همه‌ی مردم هزاره یک راه وجود دارد

و آن وحدت و یکپارچگی آنها است... باید یکی شوند، یک حق بخواهند و

یک هدف داشته باشند. باید آگاه بود که حق داده نمی‌شود، بلکه گرفته

می‌شود؛ لذا برای حق گرفتن باید آماده بود.



مروری کوتاه بر زندگی پرافتخار و سراسر مبارزاتی رهبر شهید

سخن گفتن در باره استاد شهید عبدالعلی "مزاری" انسانی که مظهر فضیلت، کمال و الگوی تمام عیار یک انسان انقلابی و متعهد میباشد، بسی دشوار و سخت است، زیرا اوصاف برجسته و کارنامه درخشان آن سردار سرافراز رشید اسلام، بسیار وسیع و بی کران است که در این مجال و «ویژه نامه» ذکر آن ممکن نیست و در این نوشته مروری کوتاه و بسیار فشرده به زندگی سراسر مبارزه و جهاد آن شهید سعید می‌شود.

• دوران کودکی

استاد شهید عبدالعلی مزاری فرزند حاجی خداداد در سال ۱۳۲۶ ه. ش در قریه نانوائی چهارکنت از توابع ولایت بلخ، چشم به جهان گشود و دوران کودکی را در محیط خانواده متدین و مذهبی سپری کرد و مشکلات زندگی مردم و شرایط سخت آنان را باتمام وجود احساس نمود.

• سربازی، و ادامه تحصیل در خارج کشور

استاد شهید، مانند همه ی فرزندان مظلوم این مرزو بوم وظیفه ملی سربازی و عسکری را در شرایط دشوار به پایان رساند. رهبر شهید در دوران عسکری با مظالم و ستم های که رژیم های حاکم علیه آحاد ملت مسلمان افغانستان به کار برده بود، آشنایی پیدا کرد، در آنجا بود که مظلومیت و تبعیض را با تمام وجود احساس کرد و از آنجا تصمیم گرفت که درسش را ادامه بدهد تا در آینده بتواند خدمتی برای مردمش انجام دهد. پس از اتمام دوران عسکری به منطقه بازگشت و در مدرسه شیخ "سلطان" در مزارشریف به تحصیل خود ادامه داد. چون وضعیت تحصیل در داخل کشور، استاد را راضی نمی ساخت، لذا تصمیم گرفت که به خارج برود. در اوایل سال ۱۳۵۱ با اخذ پاسپورت برای ادامه

شامل درس نمی ساختم ولی با آن هم در همان سال پدرم از داخل برایم پول فرستاد که همراه برادرم به مکه بروم. با این کار مخالف، بودم چون به درسهایم لطمه میزد و مدتی از درس می ماندم زیرا علاقه وافری به درس یافته بودم اما وقتی مساله را پرسیدم معلوم شد که هر کسی که پول برای او فرستاده شده، حج واجب می‌گردد. به ناچار درس را ترک کردم و راهی مکه شدم ولی در سوریه ویزای عربستان برایم داده نشد، همانجا ماندم و برادرم به مکه رفت. از آنجا به عراق رفتم و بعد از چند روزی که معطل ماندم با مقدار کتبی که تهیه کرده بودم عازم ایران شدم کتابهایم گیر رفت و خودم دستگیر شدم بیشتر از چهار ماه زندان شدم و بعدمرا از مرز خارج کردند، وقتی از ایران خارج شدم رفتم به افغانستان در منطقه شمال و در مدارس مزارشریف و چهارکنت یک سلسله

استاد شهید، فعالیت های سیاسی خود را در دهه پنجاه آغاز کرد و با کودتای هفت "ثور" و آغاز مبارزات مسلحانه مردم مسلمان افغانستان علیه کمونیست ها، پیشوای شهید با تعدادی از شخصیت های مبارز و انقلابی جهت بهتر و خوب تر سر و سامان دادن جهاد و مبارزه، حزب سیاسی و نظامی ای به نام "سازمان نصر" را تشکیل دادند.

استاد شهید با تعداد از رهبران دلسوز و متعهد به این نتیجه رسیدند که تنها راه نجات، اتحاد و یکپارچگی واقعی این مردم است. تعدد احزاب و تشکل های مختلف به صلاح مردم نیست، لذا شالوده ی یک تشکیک واحد و قوی را پایه ریزی کردند که در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ در مرکز بامیان "میثاق نامه وحدت" بین رهبران احزاب شیعی امضا شد

برنامه های تربیتی با طلاب، ریختم.

• بازگشت به وطن

پس از اتمام تحصیل در حوزه علمیه قم، استاد تصمیم گرفت که با الهام از تجارب مبارزاتی امام خمینی "ره" برای نجات مردم افغانستان وارد صحنه مبارزه شود، بر این اساس با شخصیت ها و علمای مقیم خارج، صحبت هایی پیرامون اوضاع نابسامان کشور نموده و سپس عازم داخل می‌گردد. در کابل با شخصیت های

علمی و سیاسی دیدار نموده و پیرامون اوضاع کشور با آنان تبادل نظر نمود. بعد به مزارشریف رفت به تاسیس کتابخانه و مراکز فرهنگی و آموزشی پرداخته و تعدادی زیادی از دانشجویان و جوانان را آموزشهای عقیدتی و سیاسی داده آنان را در جهت مبارزه با حاکمیت ظالم فراخواند. که خود ایشان در باره فعالیت های فرهنگی و سیاسی خود چنین میگویند: در مدارس مزارشریف و چارکنت، یک سلسله برنامه های تربیتی با طلاب ریختم، مشغول این گونه مسایل بودم که کودتای هفت ثور به وقوع پیوست. گذشته از اینکه زمینه کار باقی نمانده تحت تعقیب هم قرار گرفتم، مجبوراً افغانستان را ترک گفته به نجف رفتم مدتی در نجف ماندم و بعداً به سوریه رفتم و از آنجا به پاکستان رفته وارد افغانستان شدم.

• آغاز مبارزه مسلحانه و سازمان یافته

استاد شهید، فعالیت های سیاسی خود را در دهه پنجاه آغاز کرد و با کودتای هفت "ثور" و آغاز مبارزات مسلحانه مردم مسلمان افغانستان علیه کمونیست ها، پیشوای شهید با تعدادی از شخصیت های مبارز و انقلابی جهت بهتر و خوب تر سر و سامان دادن جهاد و مبارزه، حزب سیاسی و نظامی ای به نام "سازمان نصر" را تشکیل دادند. در اوایل سال ۱۳۵۸، عازم داخل کشور گردید و جبهه قدرت مندی را در شمال سازماندهی نمود و دوشادوش مجاهدین علیه متجاوزین مبارزه می کند. بعد از مدتی جهت بعضی کار ها به خارج از کشور می‌رود و مجدداً در سال ۱۳۵۹ به کشور برگشت و در تنگه ی "شادیان" مستقر شده به کارهای فرهنگی سیاسی و نظامی مشغول شد و نقشی مهمی را در تعلیم و تربیت نسل جوان و مجاهدین ایفا نمود.

• تشکیل حزب وحدت اسلامی

در سال ۱۳۶۵ استاد شهید با تعدادی از شخصیت های جهادی که در خارج کشور به سر می‌بردند، عازم جبهات داخل کشور می‌شود و وضعیت

مجاهدین عزیز، فرماندهان عزیز، شوراهای ولایتی و موسفیدان و مأمورین دوایر توصیه می‌کنم و تقاضا دارم که امروز روز وحدت، روز هماهنگی، روز عفو، روز گذشت و روز این است که گذشته را نادیده بگیرید.





این واقعیت است.

• شهادت استاد

پس از اینکه گروه واپس گرا و جاهل طالبان، در جنوب کشور ظهور کرد پیشوای شهید با تیز بینی و ژرف نگری، خطر آنان را به همگان گوش زد کرد که این گروه یک مجموعه مرموز و خطرناک و دست پرورده بیگانگان است و بایست جلو آنان گرفته شود و در همین راستا یک تعداد نیرو به ولایت "غزنی" جهت مقابله با آنان فرستاد. اما متأسفانه با کارشکنی و عدم همکاری بعضی از مسئولین آن ساحه این مأموریت انجام نپذیرفت. وقتی قوای طالبان به دروازه های کابل رسیدند باز رهبر خردمند و دور اندیش حزب وحدت همه گروه های جهادی را به جهت مقابله با آنان فراخواند ولی کسی گوش به حرف های او نداد. با وخیم شدن اوضاع کابل شورای مرکزی حزب وحدت فیصله نمود که استاد مزاری، مقرش را به خارج از کابل انتقال بدهد ولی ایشان بشدت با این مساله مخالفت کرد و حاضر نشد ودرپاسخ گفت: من تا آخرین لحظه در کنار مردم غرب کابل خواهم بود ودر آخر سرنوشتم یا اسارت است یا شهادت. استاد شهید واقعا به وعده اش وفا کرد و تا آخرین لحظه نیروهای حزب وحدت را رهبری کرد با تمام شدن مهمات جنگی و تسلط طالبان برغرب کابل استاد شهید اسیر و سپس با تعدادی از مسئولین بلند پایه حزب در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ با دست پای بسته و با وضع فجیع به درجه شادت نایل آمدند

پیوستن شان به مجاهدین سرنوشت کشور تغییر کرد، نه تنها شمال کشور آزاد شد، بلکه تمام افغانستان از دست کمونیست ها آزاد و مجاهدین پیروزمندانه، وارد کابل شدند.

• پیروزی مجاهدین و اقامت استاد شهید در کابل

با سقوط کابل و پیروزی مجاهدین استاد شهید بامیان را به قصد کابل ترک کرد ودر غرب کابل مستقر شد. رهبر شهید در کابل به نظم و انسجام بخشیدن قطعات نظامی حزب وحدت پرداخت و در کوتاه ترین مدت مردم ما به عنوان یک مجموعه تعیین کننده و قدرت مؤثر در پایتخت کشور تبدیل شدند که تقریباً ۴۰٪ کابل در اختیار مردم ما قرار گرفت. متأسفانه دشمنان مردم افغانستان حضور مردم انقلابی و آزادی خواه و رهبر آزاد اندیش حزب وحدت را تحمل نتوانستند و زمینه جنگ های داخلی را فراهم آوردند که در طول تقریباً سه سال تمام تلاشها و طرح های دشمنان مردم ما و تحمیل

به نحو احسن انجام دهد. لذا ایشان همراهی استاد شهید "صادق نیلی" که از سرداران نامدار جهاد بود عازم جمهوری اسلامی ایران شدند.

استاد شهید و هیت همراه با استقبال چشم گیر و با شکوهی مهاجرین، علما و طلاب قرار می گیرد و مردم خبیر و موقعیت شناس ما از پروسه وحدت به خوبی استقبال کرده، حمایت بی دریغ شان را اعلام کردند. اگر چه مشکلات از طرف بعضی حلقهات و اشخاص وجود داشت، منطق قوی و بیان شیوای استاد شهید همگان را متقاعد ساخت و با تلاشهای همه جانبه و نشست های متعدد سرانجام موفق شدند که دفاتر احزاب را ادغام و حزب وحدت رارسمیت بدهند با پایان یافتن مأموریت استاد در خارج جهت سر و سامان دادن بیشتر کارهای سیاسی و نظامی عازم داخل کشور شد که در بین راه توسط دزدان مجاهد نما کمین زده میشود و مدتی از سرنوشت استاد هیچ کسی خبری نداشت اما سرانجام به

را به خوبی مطالعه می کند که وضع جبهات و مجاهدین چندان رضایت بخش نیست، مشکلات و کشمکش های داخلی در بین مجاهدین وجود دارد و از طرفی هم در بیرون از مرز، حلقهات و جلساتی در باره آینده افغانستان دایر می شود، از مردم ما حرفی بمیان نمی آید و کلاً نادیده گرفته می شد با توجه به تمام این مسایل استاد شهید با تعداد از رهبران دلسوز و متعهد به این نتیجه رسیدند که تنها راه نجات، اتحاد و یکپارچگی واقعی این مردم است. لذا به ترغیب و تشویق رهبران جهادی و قمعندانان عمده می پردازد و با همکاری و تشریک مساعی چهره های دلسوز و موثر، کنفرانس ها و نشست های متعددی در مناطق مختلف هزاره جات دایر شد و پس از گفتگوهای طولانی، همه سران و رهبران احزاب به توافق رسیدند که تعدد احزاب و تشکل های مختلف به صلاح مردم نیست، لذا شالوده ی یک تشکيل واحد وقوی را پایه ریزی کردند که در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ در مرکز بامیان "میثاق نامه وحدت" بین رهبران احزاب شیعی امضا شده، احزاب و جریانهای سابق منحل اعلام شده و تشکيل جدید تحت عنوان "حزب وحدت اسلامی" رسمیت یافت که با استقرار این حزب، منازعات و مشکلات حزبی مهار و مردم ما در محافل سیاسی و بین المللی مطرح شدند و در صحنه نظامی نیز قوی و قدرتمند ظاهر شدند. در داخل کشور حزب وحدت بسیار زود موقعیت و جایگاه خود را پیدا کرد و همه از این حزب حمایت و پشتیبانی کردند. چون بعضی از رهبران احزاب در خارج از کشور بسر می بردند و از طرفی دفاتر احزاب همه در خارج از کشور بود لذا لازم بود که جهت رساندن پیام وحدت به مهاجرین و رهبران احزاب مقیم خارج و همچنین ادغام دفاتر احزاب مستقر در خارج از کشور، هیئت با صلاحیت و مقتدر اعزام گردد که در مورد ریاست هیأت و ترکیب هیأت پس از بحث و بررسی همه به این نتیجه رسیدند که این وظیفه ای خطیر و مهم را جز استاد شهید کسی دیگر نمی تواند

پس از اینکه گروه واپسگرا و جاهل طالبان، در جنوب

کشور ظهور کرد پیشوای شهید با تیز بینی و ژرف نگری،

خطر آنان را به همگان گوشزد کرد که این گروه یک

مجموعه مرموز و خطرناک و دست پرورده بیگانگان است

و بایست جلو آنان گرفته شود و در همین راستا یک تعداد

نیرو به ولایت "غزنی" جهت مقابله با آنان فرستاد. اما

متأسفانه با کارشکنی و عدم همکاری بعضی از مسؤولین

آن ساحه این مأموریت انجام نپذیرفت.

جنگ های متعدد با درایت و رهبری خردمندانه استاد شهید خنثی شد و روز به روز محبوبیت ایشان بیشتر شد تا آنکه همگان به این باور رسیدند که او واقعا شخصیت محبوب ملی و چهره شناخته شده بین المللی شده است. مقاومت و پایداری او در دفاع از حقوق ستمدیدگان در کابل موجب شد که محبوبیت خاص در بین مردم پیدا کند که حضور هزاران نفر در مراسم سالانه ی تجلیل از او گواهی بر

لطف و عنایت خداوند متعال این ذخیره الهی برای مردم مظلوم ما به مقر حزب وحدت اسلامی در بامیان مستقر شد.

رهبر شهید "حزب وحدت را تحرک تازه بخشیده فعالیت های وسیع سیاسی و اطلاعاتی خود را جهت تضعیف رژیم حاکم در کابل آغاز نمود که نتیجه آن ارتباط جنرالان و افسران عالی رتبه شمال کشور با مرکز بامیان بود که هماهنگی آنها با مجاهدین صفحات شمال کشور و

باید بپذیریم و یک واقعیت است، هر کس روی تمامیت ارضی افغانستان، وحدت ملی

افغانستان فکر بکند، کسی را حذف نکند... مردم ما یک مردم سرافرازی است که با

برادری با همه ی ملیت ها می خواهیم زندگی کنیم، با برادری زندگی بکند. این افغان باشد،

تاجیک باشد، ازبک باشد؛ همه برادرند، حقوق مساوی می خواهیم.



شهید مزاری، اهداف، خواسته‌ها و نظریات

هفت سال از پرواز سرخ و عروج روح بلند، ابر مرد جهاد و شهادت، سمبل مقاومت و فداکاری، تبلور اراده‌ی محکم و فولادین توده‌های رنج‌دیده و زحمتکش، استاد شهید باب‌به مزاری می‌گذرد.

مزاری، رهبر دلسوز و برخواسته از متن توده‌های مظلوم بود، محرومیت و مظلومیت را با تمام وجود لمس و با روح بلندش احساس کرده بود. او رهبری بود که هدفش از مسئولیت، خدمت به خلق و دفاع از آرمانهای مظلومین و احقاق حقوق پامال شده و لگدمال شده مغضوبین تاریخ بود. او پیشوایی بود که عملش مفسر و مبین گفتار و اندیشه‌هایش می‌باشد. او قانندی بود که خود را شریک درد و رنج و آلام مردم می‌دانست، که حتی یک لحظه هم مردم خود را تنها نگذاشت و تا آخرین لحظه‌ی حیات خویش از حیثیت، کین و شرف مردم خود دفاع کرد.

رهبر شهید، همواره تلاش کرد که این مردم ستمدیده از این حالت فقر، محرومیت و انزوا بدر آید. استقلال و آزاد اندیشی جزء خصیصه‌های اصلی شخصیتی ایشان بود و حاضر نشد کوچکترین کرنش در مقابل بیگانگان از خود نشان بدهد و پرستیز ملی و افغانی بودن را به خاطر منافع دیگران زیر سوال ببرد. او رهبری بود که شایسته سالاری در رأس برنامه‌هایش قرار داشت و افراد لایق، شایسته و کاردان را به استخدام و کار را به اهلش می‌سپرد و علایقی خاص به اشخاص، افراد یا منطقه نداشت بلکه لیاقت و شایسته‌گی برایش ملاک و معیار بود. او، پیشوایی بود که طرح و برنامه

برای آینده و حرف برای گفتن داشت. چنانچه نگاهی عمیق و ژرف به اندیشه‌های سبز و روشنگر او اندازیم، ضرورت حرف‌هایش را احساس خواهیم کرد. چنانچه در آن زمان به فریادهای دلسوزانه و طرحهای سازنده و اصولی او توجه می‌شد، شاید خیلی از مسایل پیش نمی‌آمد. اکنون آن پیشوای فرزانه و آن پدر دلسوز در بین ما نیست مدت هفت

سال است که ملت ما یتیم شده است. او همه چیز برای ما به ارمغان آورد عزت، غرور، اعتماد به نفس حیثیت ملی و بین المللی. اما افسوس، که هنوز طعم شیرین آزادی و آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن را نچشیده بودیم که دست جنایت از آستین جمل و تحجر و حماقت بدر آمده این چهره محبوب ملی را از ما گرفت. ملت ما مدت بسیار کوتاه فرصت پیدا کرده بود که عزت و کرامت انسانی‌شان که در طول تاریخ لگدمال و منکوب امیال پلید نا پاکان شده بود، احیا کنند. در مدت کوتاه رهبری استاد مزاری، مردم ما نشان دادند که ملت سخت کوش، شجاع، غیور، نترس و با شهامت هستند که می‌توانند حماسه‌های کم نظیر از خود به نمایش بگذارند.

اکنون که زمینه‌ی اندیشیدن مساعد شده و آزادی بیان و قلم اهمیت و جایگاه خود را کم کم در صحنه زندگی پیدا کرده است خوبست که صاحبان اندیشه و قلم، دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان و شخصیت‌های اسلامی و ملی و کسانیکه نقش روشنگری را داشته‌اند، طرح و مورد غور و بررسی قرار دهند. افکار سره را از ناسره تمیز داده و مطالب سودمند و با ارزش را در جهت ایجاد دموکراسی و جامعه مدنی و قانون مند شدن در مطبوعات مطرح سازند. از اسلام شناسان و کسانیکه با مبانی اصیل اسلام، آشنایی دارند، انتظار می‌رود که افکار سخیف و بی‌پایه که بعضی آنرا بعنوان مبانی اسلام و آموزه‌های دینی مطرح کرده‌اند، نفی و طرد کرده و اسلام اصیل و سنت صحیح نبوی (ص) را بدور از خرافات و اوهام برای مردم بیان سازند.

قبیلوی نژادی، منطقه‌ای بوده است. بعضی از مردم این سرزمین از همه نوع امتیاز برخوردار بودند ولی قاطبه مردم افغانستان در محرومیت بسر می‌بردند و از مزایای زندگی شرافتمندانه و حقوق شهروندی محروم بودند. مردم ما بیش از دیگران مورد بی‌مهری قرار داشتند، بارها قتل عام شدند و از خانه و کاشانه‌ای شان کوچ داده شدند، شهید مزاری با علم به این قضایای درد ناک، شعار عدالت اجتماعی و تأمین حقوق همه ساکنان این کشور را، سر داده و هر نوع امتیاز خواهی و برتری جویی را بشدت محکوم نموده، خواستار تأمین عدالت اجتماعی بود. دریکی از سخنرانیهایش چنین می‌گوید: «... از راه مذاکره سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم حقوق ملت خود را خواهیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می‌خواهیم و انحصار طلبی را نفی می‌کنیم هر کس

استقلال و آزاد اندیشی جزء خصیصه‌های اصلی شخصیتی ایشان بود و حاضر نشد کوچکترین کرنش در مقابل بیگانگان از خود نشان بدهد و پرستیز ملی و افغانی بودن را به خاطر منافع دیگران زیر سوال ببرد. او رهبری بود که شایسته سالاری در رأس برنامه‌هایش قرار داشت و افراد لایق، شایسته و کاردان را به استخدام و کار را به اهلش می‌سپرد. در مدت کوتاه رهبری استاد مزاری، مردم ما نشان دادند که ملت سخت کوش، شجاع، غیور، نترس و با شهامت هستند که می‌توانند حماسه‌های کم نظیر از خود به نمایش بگذارند.

که باشد (۱)» هم چنین در جای دیگر، روی این نکته تأکید کرده است: «... حکومت اسلامی که منافع همه مردم را تأمین کرده عدالت اجتماعی را تحقق بخشد و حقوق پایمال شده کلیه ملیت‌های مظلوم و محروم جامعه را اعاده نماید در افغانستان بوجود آوریم... (۲)»

ص ۲

شهید مزاری، از آن پیشگامانی است که افکارش نو، اندیشه‌هایش سبز و آرمانهایش اسلامی، انسانی و بین المللی است چنانچه منصفانه و بدور از اغراض سیاسی، قومی، حزبی و... نگاهی عمیق و دقیق به نظریات ایشان اندازیم، قطعاً به حقانیت و شفافیت و جامع بودن آن، پی خواهیم برد. اصولی که شهید (مزاری) به آن معتقد بود و در واقع آرمانهای گمشده مردم افغانستان می‌باشد، قرار ذیل است:

۱- عدالت اجتماعی، تاریخ مردم افغانستان، با ستم و تعیض و بی‌عدالتی عجین شده است. در طول تاریخ نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و امتیازات نابجا و نادرست در تمام سطوح زندگی مشهود بوده و اساس حکومت‌های وقت،

روش حزب وحدت این است که با کسی سر جنگ ندارد. برای همه‌ی

احزاب و ملیت‌ها احترام قایل است و برای همه حق مساوی طبق نفوس‌شان می‌خواهد... از راه مذاکره‌ی سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم، حقوق ملت خود را خواهیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می‌خواهیم و انحصار طلبی را نفی می‌کنیم.



صغرا هزاره

□ بی تو

باز تو خواندی ذکر سجودت را
مارا بادل خسته
رها کردی در این غربت
فردامی رسد بی تو
اما-

صدای نوایت

در گوش ها خواهد پیچید

محمد شریف سعیدی

□ رنج هبوط

ای کویر شعله زاد، آه! سراپا سوخته
از گداز لهجی سرخ تو دریا سوخته
طور دین مردم تجلیگاه بر شاخهات
از تو روشن شام ما نخل تنها سوخته!
ای تمام بودنت لبریز از رنج هبوط
ای تو در آتش چو ابراهیم اما سوخته
خوب می دانم که قلب شعله خیزت دیرگاه
مثل فانوسی در آن شبهای یلدا سوخته

چمن شاه اعتمادی

□ مرد

چه می شد سالهای درد می ماند
کبوتر با خزان سرد می ماند
بجای این همه آدم نماها
یکی می ماند اما مرد می ماند

عزیزی

□ تک سوار

های مردم رائد وحدت کجاست
حیدر دین اشتر مذهب کجاست

هان مزاری ای شهید ای زنده یاد
نام تو خون نامه رزم و جهاد
نام تو گلوازه تکبیر ما
مثنوی سرخ نا تفسیر ما
نام تو شاه بیت شعر فصل خون

نبض پر شور حیات نسل خون

ای شهاب شب شکاف شهر نور

تک سوار عرصه پیش از ظهور

ای بهار ای روح گل ای بانک آب

ای سحر ای عطر صد دریا گلاب

ای فلک فرسای شاهین کبیر

مرد میدانهای خونین و خطیر

قتل تو افلاک شرمنده کرد

خون گرم خاک را شرمنده کرد

ای توتنها رهبر سنگر نشین

مظهر "مولا امیرالمومنین"

ای وجودت قبله گم گشتگی

غنچه جمعیت سر گشتگی

عرش عشق حق دل نورانیت

صد سحر خورشید در پیشانیت

رفتی واز رفتنت تنها شدیم

همنیشین حسرت و غم ها شدیم

ای دلیر ای شیر ای دشمن شکار

صخره ی سر برسمای استوار

تا تو بودی بیشه بانگ شیر داشت

قبضه قبضه هر کمین شمشیر داشت

باغبانا! گه گه رفتن نبود

فصل فصل سرخ خون خفتن نبود

زینب، تنها یادگار رهبر شهید

□ درد جدایی

ای امید دل من مونس من تو به کجائی

پدرم تاج سرم سوختم از درد کجائی

شده خون بعد تو بابا بخدا این جگر من

نبود در دل من صبر نه طاقت ز جدائی

ز آتش کینه ی دشمن دل و جان سوخت مرا

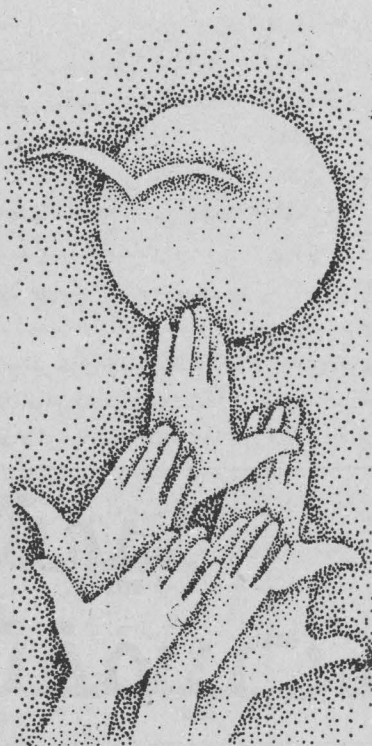
آنچه کردند نکردند ز خدا شرم و حیائی

ای فلک بعد پدر سیر شدم از همه عالم

ای اجل منتظرم کی شود از درتودر آئی

به غریبی من ای چرخ ترحم ننمودی

بی پناهییم ولی خوب که داریم خدائی



آیت الله پروانی

(رییس شورای عالی نظارت ح.و.ا.)

استاد مزاری، ویژگی‌های برارنده و مشخص خودش را دارد از جمله ویژگی‌های ایشان وفا به عهد بود که هیچگاه حتی با تغییرات شرایط و تحمل ضررها موضعش تغییر نمی‌کرد و تخلف در عهد و وفا در زندگی ایشان نبود. دیگر از ویژگی‌های شخصیت ایشان این بود که ایشان همه چیز را برای مردم و جامعه می‌خواست و مصالح شخصی خودش و خانواده اش را بر مصالح اجتماعی و مردمش مقدم نمی‌داشت و تمام تلاشهایش برای مردم بود که گواه براین مطلب دارم

خارجی از بین می‌رفت. به استقلال سیاسی، اقتدار، پرستیژ و حیثیت ملی آسیب نمی‌رسانید و جریان‌های تلخی که اتفاق افتاد مطمئناً رخ نمی‌داد.

منظور شهید مزاری از عدالت اجتماعی این بود که حقوق همه اقوام، جریان‌های و نهاد های مدنی در عرصه های سیاسی، مذهبی اجتماعی، اقتصادی و... تامین گردد و اتحاد ملت افغانستان از امکانات معنوی و... مادی بدون تبعیض بهره مند شوند. و از آثار اجرای عدالت به مفهوم که گفته شد رفع نفرت و خصومت، ایجاد مناسبات سالم و اعتماد بین اقوام، استقرار امنیت، ثبات پایدار و فراهم شدن شرایط برای رشد فکری و

مجاهدین بخاطر عدم هماهنگی و بی‌برنامگی هیچگونه اقدام موثری را در جهت سقوط دادن رژیم روی دست نداشتند. شهید مزاری با اعتقاد و باور به اینکه بدون تشریک مساعی همه احزاب و اقوام کشور، نجات وطن ممکن نیست، طرح همسویی و هماهنگی مجاهدین را برنامه ریزی کرد و هیئت باصلاحیت را بدین منظور در شمال کشور، شمال کابل، غور و ارزگان، پروان و میدان اعزام نمود، نتیجه این حرکت سرنوشت ساز آزادی تقریباً کل ولایات شمال و هماهنگی کامل نیروهای جهادی و دولتی که از رژیم حاکم بر کابل اعلام جدایی کردند، برای تشکیل یک اداره جدید در

رهبر شهید از دیدگاه شخصیت‌ها

و آن اینکه وقتی استاد مزاری به شهادت رسید هیچ چیزی از او برای خانواده اش به ارث نماند. و دیگر اینکه ایشان هیچ گاه تصمیم ناگهانی و آنی نمی‌گرفتند. همیشه نفع و ضرر مسائل را می‌سنجید، خوب تدبیر و اندیشه می‌کرد و آنگاه تصمیم می‌گرفت و او واقف بود که تصمیمات ناسنجیده تا چه حد بر مصالح و منافع جامعه و مردمش ضربه می‌زند و دیگر از ویژگی‌های ایشان علاقه مفرطشان به وحدت ملی در افغانستان بود. ایشان می‌گفتند: حق هیچ اقلیتی نباید پا مال شود و تمام ملیت‌ها برادروار در کنار هم و با هم زندگی کنند

آیت الله تقدسی

(امام جمعه‌ی غرب کابل)

یکی از ویژگی‌های شخصیت استاد مزاری این بود که زیر بار مطامع مادی نمی‌رفت و خصلت زر اندوزی و کنز کردن زروسم در وجودش راه نداشت چنانچه معلوم است بعد از شهادتش نه کدام کاخ مجلل بجایش ماند نه اندوخته‌های نقدی در بانکها. خصلت عمده دیگرش قاطعیت او در راه هدف بود در این راه هیچ گونه مجامله و معامله با زورمندان نداشت. از سجایای پسندیده‌ی او سرعت انتقال بر موز حرف هوجبگرانه هتاکان و حاضر جوابی او در برابر زورگویان بود.

استاد فیاض ارزگانی

(عضو شورای مرکزی ح.و.ا.)

شهید مزاری - از تاریخ گذشته افغانستان، ورنجهای و شکنجه‌ها و ستم ها و محرومیت‌های که بر ملت تحمیل شده بود آگاهی کامل داشت، و طرز تفکرهای متضاد، نقشه‌های انحصار طلبانه و مداخلات خارجی را خوب می‌دانست براساس آن آگاهی و درک صحیح از وضعیت فکری و سیاسی جاری طرحی را ارائه داد که محتوای آن در یک جمله این بود (حاکمیت سیاسی با مشارکت ملی) بدین معنی که براساس حق تعین سرنوشت، همه اقوام و اقشار جامعه درحاکمیت و دولت حضور داشته باشند. اگر این طرح عملی می‌شد از یکسو به محرومیت‌ها و انحصار طلبی‌ها خاتمه داده می‌شد و بر پایه‌ی عدالت اجتماعی، همبستگی و وفای ملی عینیت می‌یافت و از سوی دیگر زمینه‌ی مداخلات

علمی در جامعه است. شهید مزاری، درد ها ورنجهای آرزوها و آرمانهای مردم را بیان کرد، و در جریان عمل صداقت و خلوص و تعهد خود را در برابر سرنوشت مردم به اثبات رساند از این رهگذر محبوب مردم شد، و مردم ایشان را بعنوان رهبر صادق متعهد پذیرفتند، لذا صحیح است که بگوئیم مزاری یک رهبر کاریزماتیک بود.

استاد فهیمی بلخابی

(عضو شورای مرکزی ح.و.ا.)

یکی از ویژگی‌های استاد شهید مزاری اراده فولادین اوست چون کوه استوار بود و مانند دریا عمیق، در طوفان حوادث تردید و تزلزل در سیمایش جای نداشت و در آویختن با امواج مهیب مصائب بر ثبات قدمش می‌افزود زیرا با سختی‌ها هم بستر و با تلخی‌ها هم آشیانه بود. خصوصیت دیگر استاد شهید تطابق گفتار و کردار اوست سخن و کلامش از سرچشمه‌ی ایمان و اعتقادش آب میخورد بیان ساده و همه کس فهمش در دل می‌نشست و به آنچه می‌گفت عمل میکرد. تنها مخاطبش دیگران نبود شعارش همواره با شعور همراه بود. ویژگی دیگر استاد شهید ساده زیستی منحصر به فرد او است زندگی بی‌پیرایه اش او را از دیگران ممتاز ساخته بود، هیچگاهی فریفته‌ی زرق و برق دنیا و شیفته‌ی ذخایر و ذخارف آن نگردید مقام و منصب مفتونش نساخت. از بندگی شکم و بردگی دامن بدور بود. از اسراف و تبذیر شدیداً متنفر بود مخصوصاً در اموال بیت المال.

استاد شهید خود و منافع اش را قربانی مصالح مردم خود کرد. لذا مردم او را تجسم عینی آرزوها و آئینه تمام نمای رنجهای تاریخی خود می‌دانستند و می‌دانند. او همچون جان مردمش را عزیز می‌داشت به مردمش عشق می‌ورزید.

محترم هاشمی

(منشی شورای مرکزی ح.و.ا.)

شهید مزاری منادی اصلی و واقعی وحدت ملی در افغانستان بود، زمانیکه هنوز رژیم دست نشانده در کابل و سایر نقاط افغانستان حضور داشت و

آن ساحات بود و آزادی شمال نقطه‌ی عطفی بود در مبارزات آزادی بخش مردم افغانستان که در مدت زمان کوتاه کابل و سایر نقاط کشور نیز بدست مجاهدین افتاد. اگر این حرکت تاریخی، ملی و اسلامی بدون احساسات و بدور از تعصب‌های کور و تنگ نظرانه مورد بررسی قرار گیرد نقش برجسته‌ی استاد مزاری شهید و حزب وحدت کاملاً در آن مشخص است که نتیجه این می‌شود که شهید مزاری گام‌های بهیار استوار در جهت تحکیم و تعمیق وحدت در آن زمان برداشته است. پس از پیروزی مجاهدین طرح مشارکت کلیه اقوام کشور را برای تشکیل یک حکومت فراگیر در سطح ملی اعلام نمود که این اقدام به منظور کاهش تعصبات قومی و نژادی تشکیل یک حکومت وسیع‌البنیاد و ختم جنگ و برادرکشی در نهایت رسیدن به وحدت ملی در افغانستان بود.

هفته نامه‌ی

سیاسی، اجتماعی، خبری، ادبی

شيان و حجت

صاحب امتیاز:

حزب وحدت اسلامی افغانستان

مدیر مسؤول:

رمضانعلی محقق افشار

سر دبیر:

علی عالمی کرمانی

زیر نظر:

هیأت تحریریه

آدرس موقت: کابل - کارته ۳ - کوچه

شهید مزاری

تلیفون: ۲۵۰۲۵۹۷

قیمت ۵۰۰۰ افغانی